

سال دوم

جلسه ۶۶

سال تحصیلی ۹۰ - ۹۱

۹۰ / ۱۲ / ۱ دوشنبه

ما می گوئیم :

باید توجه داشت که همه اعتبارات ادبی به اعتبار قانونی تبدیل نمی شوند

اینکه ایشان «کثرت استعمال» را در پیدایش اعتبار قانونی، دخیل دانسته اند، کامل نیست

اینکه : «اعتبار ادبی دارای اثر اجتماعی نیست»، حرف کاملی نیست

چراکه : «اعتبارات ادبی»، قطعاً آثار اجتماعی دارد و باعث تهییج های اجتماعی می شود

اینکه «اعتبارات عقلانی»، حتما ناشی از اعتبارات ادبی باشد، معلوم نیست

پس اگر مراد از اعتبار ادبی، «اعتبارات شخصی» است، سخن درستی است

۳. اعتبار «محض» و اعتبار «حقیقی»

توضیح

علقه وضعیه، اگرچه اعتباری است ولی از اعتبارات محض نیست.

اعتبارات محض : قوامشان به اعتبار است و با قطع اعتبار، معدوم می شوند
مثال: اینکه ما اعتبار می کنیم، موجودات وهمی مثل غول را

اعتبارات حقیقی : آن اموری هستند که اعتبار کردن راهی است برای رسیدن به آن
و لذا : گاه می شود آنها را مورد توجه قرار داد و گاهی می شود از آنها غفلت کرد

مرحوم عراقی : اعتبارات حقیقی، دارای «تحصّل» هستند

توضیح

اینکه وضع، جعلی و اعتباری است، منافی با این نیست که در لوح واقع، دارای «تقرر» باشد

پس اعتبارات حقیقی : به سبب اعتبار حادث می شوند ولی بعد از جعل از امور «واقعی» می شوند
به خلاف اعتبارات «محض» که اعتبار [حدوثاً و بقاءً]، مقوم ذات آنهاست.

پس از دیدگاه مرحوم عراقی :

یک دسته از اعتبارات = «اعتباری محض» است که قوامش فقط به ذهن اعتبار کننده است

و دسته دوم = «اعتباری حقیقی» است که در عالم خارج دارای تقرر می شود

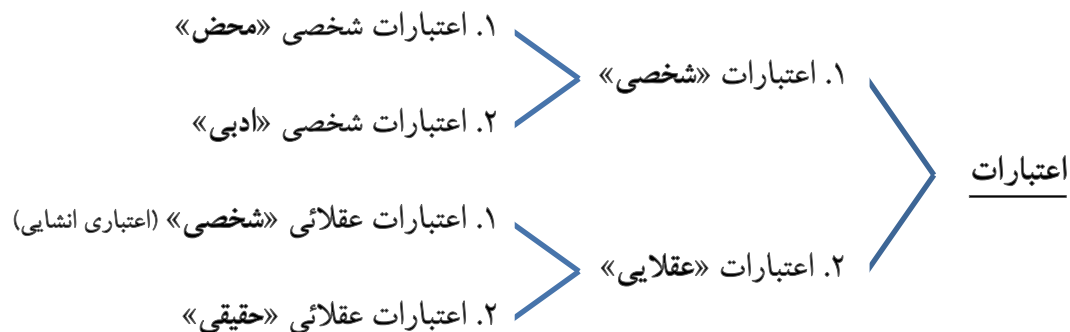
اشکال حضرت امام به مرحوم عراقی

توضیح

اگر معتبرین از بین رفته اند، «اعتباری» هم از بین می رود
و لذا : اعتباریات، هیچ تحقیقی در عالم واقع ندارند.
پس : این تقسیم، باطل است

۴. تقسیم نهایی

توضیح

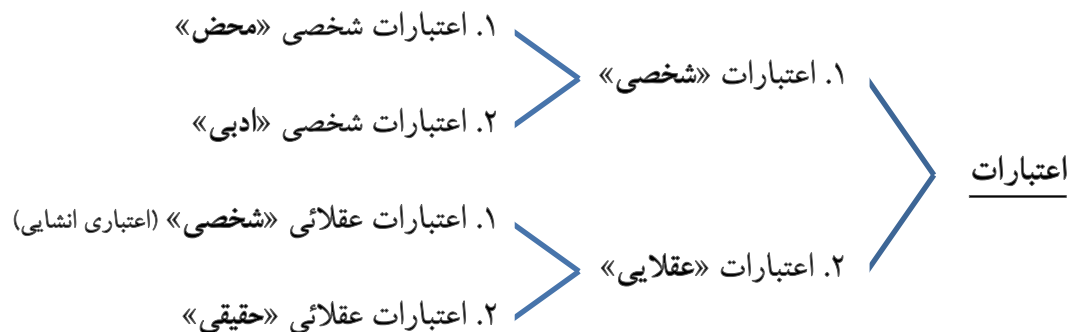


تقسیم اعتبارات، گاه اراده جدی و اراده استعمالی در این اعتبار، مطابق یکدیگر است = «اعتبار عقلایی» است

گاه مطابق با یکدیگر نیست (شخصی ادبی) و یا دارای اثر اجتماعی نیست (شخصی محض) = «اعتبار شخصی» است

۴. تقسیم نهایی

توضیح



اعتبارات عقلایی :

گاه شخص اعتبار کننده، امری را اعتبار می کند برای اینکه توسط عقلاء پذیرفته شود، در این صورت اعتبار کننده واحد است، ولی برای اینکه این اعتبار شخصی توسط عقلاء پذیرفته شود، این کار را انجام می دهد.

اما گاه این اعتبار، اعتبار کننده واحد ندارد، بلکه در «وعاء اعتبار عقلایی» اعتبار می شود. غالباً اعتبار عقلایی حقیقی از اعتبار عقلایی انشائی، حاصل می شود